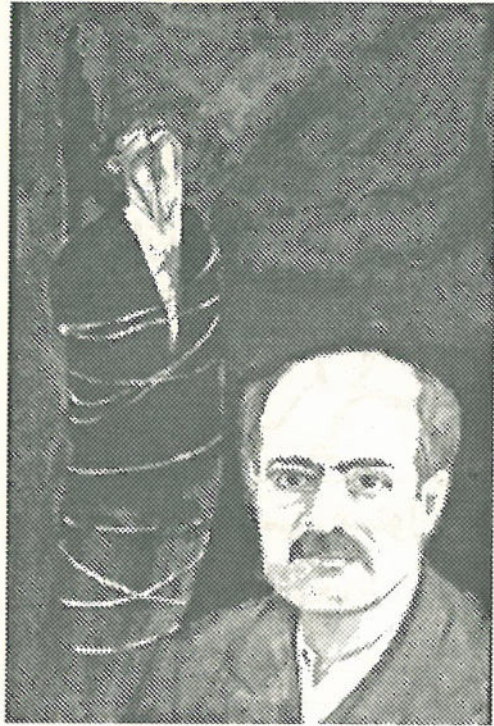


چهل سالگی يك حماسه

به مناسبت چهلمین سالگرد شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران



ادامه در ص ۳

۲۱ اردیبهشت ماه امسال، مصادف است با چهلمین سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران. در باره شخصیت کم نظیر رفیق روزبه در دوران معاصر، پژوهش ها و مقالات متعددی، بویژه از سوی حزب ما، نشر یافته است، و ضمن آن، زوایای گوناگون زندگی و مبارزه این قهرمان نامدار و صادق زحمتکشان، آنچنانکه شایسته او است، به جامعه و نسل های دیروز و امروز معرفی گردیده است. نام روزبه، نه تنها برای مردم میهن ما، بلکه برای بسیاری از مبارزان راه آزادی در جهان، آشنا و طنین افکن است. نام روزبه زمانی در جهان پژواک یافت که در سال ۱۳۲۹ به همراه ۹ تن از رهبران حزب توده ایران از زندان قصر گریخت، و برای آنکه بر

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۳۱، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷

خطر یورش رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» به جنبش مردمی را باید جدی گرفت

برخورد و تنش بین جناح های گوناگون رژیم از یک سو، و جنبش اوج گیرنده توده های ستمدیده از استبداد و ارتجاع از سوی دیگر، وضع کیفیتاً نوینی را در میهن ما پدید آورده است. اوج گیری جنبش مردمی و همراه آن، گسترش و تعمیق شعارها و خواست های مردم، پایه های رژیم استبدادی و واپسگرایی «ولایت فقیه» را، که مانع هرگونه تحول عمیق و پایدار به نفع آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی است، بشدت لرزانده است. سران رژیم، هراسناک از عاقبت کار، برای حفظ و ادامه «نظام» موجود، اقدامات گسترده ای را آغاز کرده اند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، در هشدار باش مہمی در فروردین ماه امسال، از جمله اعلام کرد: «در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون دیدارهای پنهانی تعدادی از سران رژیم، و برخی تصمیم گیری ها برای مقابله با جنبش روبه رشد توده ها، به دست ما رسیده است که بسیار نگران کننده است... نیروهای ارتجاعی خوب می دانند که در صورت ادامه شرایط کنونی، خطر جدی رژیم «ولایت فقیه» را تهدید می کند و بنابراین چاره کار را در سد کردن رشد جنبش مطالباتی توده ها و سرکوب آن می بینند...» (از اطلاعات دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده

ادامه در ص ۶

به احزاب، سازمان ها و نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن

در ص ۶

بررسی کوتاهی از رویدادهای جنبش کارگری در سالی که گذشت

فقرات و پشتوانه اصلی جنبش رو به رشد توده ها ضد رژیم «ولایت فقیه» محسوب می شود. از این روست که با قاطعیت باید گفت، رشد و گسترش مبارزات صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان، نقش اساسی و انکار ناپذیری در شکل گیری و سمت و سو دادن به حوادث و تحولات کنونی ایران دارد. سال گذشته در این زمینه برای طبقه کارگر و مجموعه جنبش آزادیخواهان مردم میهن ما آزمون دشوار اما موفق به شمار می آید. بررسی کوتاه این روند و جنبش روبه رشد طبقه کارگر به منظور درس گیری، شناخت خواست های صنفی طبقه کارگر در شرایط کنونی، و درک پویایی این جنبش، و در نهایت آماده کردن جنبش برای رویدادهای سرنوشت سازی که در پیش رو دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

● منافع کارگران - زندگی - کار - دستمزد:

طبقه کارگر ایران، در سالهای اخیر، به دلیل یورش رژیم «ولایت فقیه» به حقوق صنفی - سیاسی اش، دچار لطمات جدی گردیده است. اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، که توسط صندوق بین المللی پول به رهبری جمهوری اسلامی دیکته شده بود، پیامدهای هولناکی در ابعادی بی سابقه برای مردم کشور، بویژه زحمتکشان داشت. سقوط سطح زندگی کارگران و زحمتکشان، در کنار افزایش سرسام آور هزینه های زندگی، از اثرات روشن این سیاست ها، و گواه روشنی برگسترش فقر در جامعه ما است. روزنامه اطلاعات (بهمن ماه

ادامه در ص ۴

«نماینده محترم! اینجا افغانستان نیست!»

اعتراض ۱۵۰۰ دانشجوی پرستاری

خلخال: از حرف های صفوی بوی کودتا می آید

بزرگداشت روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف

در ص ۲

در ص ۲

در ص ۲

در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

موضع گیری در برابر سخنان رییس سپاه

از عناصر و سازمان های نظامی در صف مشوش کنندگان اذهان عمومی جامعه نسبت به مرد پیروز میدان دوم خرداد نغمه ناخوشایندی بود که در روزهای مبارزات انتخاباتی نواخته شد... از سوی دیگر می بایست به فرماندهی کل سپاه پاسداران یادآوری کرد که علیرغم عضویت ایشان در شورای عالی امنیت ملی، مسؤلیت امنیت ملی کشور بر عهده ریاست جمهوری اسلامی ایران است و سیاستگزاری و تشخیص سره از ناسره در این باب بر عهده ایشان است. ضمن آنکه طرح این سخنان از آنجا که بخش عمده ای از بدنه دلسوز سپاه سنخیتی با گفته های تیمسار فرماندهی ندارد، موجبات تشتت در سازمان یک نیروی دفاعی کشور را فراهم می آورد و این موضوع دقیقاً موجب خدشه دار شدن امنیت ملی کشور می شود...». به گفته روزنامه همشهری، اعلامیه در خاتمه از طرح سخنان فرماندهی سپاه نگرانی و تأسف شدید خود را ابراز کرده است.

سخنان رییس سپاه پاسداران، مبنی «گردن زدن» و «زبان بردن» مخالفان، در مطبوعات داخلی و خارجی بازتاب گسترده ای یافت. در داخل کشور بسیاری از روزنامه ها نسبت به سخنان رحیم صفوی، که تهدید آشکار مخالفان و دگراندیشان بود، اعتراض کردند و یادآور شدند که سپاه نمی بایست در درگیری های سیاسی شرکت کند. از سوی دیگر روزنامه های مدافع جناح راست، از جمله رسالت و جمهوری اسلامی، ضمن ادعای اینکه این سخنان تحریف شده است، مخالفان این سخنان را جریان های همگام با ضد انقلاب معرفی کردند، و نسبت به «ادامه این توطئه ها» هشدار دادند. نهادهای صنفی و مردمی نیز در موضع گیری های گوناگونی در مقابل این سخنان، عکس العمل منفی نشان دادند. بر اساس گزارش روزنامه همشهری (سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه) انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با صدور بیانیه ای در این زمینه، از جمله اعلام کرد: «حضور برخی



مرتضی رفیق دوست، مسئول خرید زندان اوین !!

بر اساس گزارش روزنامه «قدس»، در پی تحقیقات هیأت ویژه ریاست جمهوری در مورد مرتضی رفیق دوست، بردار محسن رفیق دوست، رییس بنیاد مستضعفان، که چندی پیش به دلیل اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی به حبس ابد محکوم شده بود، روشن شده است که نامبرده مسؤلیت امور خرید در زندان اوین را عهده دار بوده است. لازم به تذکر است که اکنون مدتهاست مسأله «زندانی» بودن مرتضی رفیق دوست از سوی بسیاری از روزنامه مورد شک و تردید قرار گرفته است، و حتی گفته می شود که نامبرده از ایران خارج شده است. بر اساس گزارش روزنامه قدس، یکی از مسوولان قضایی ضمن تکذیب خبر خروج مرتضی رفیق دوست از کشور تأکید کرد که «مدتی است حتی از همکاری وی در امور خرید زندان هم استفاده نمی شود !!!...»

«طرح انطباق خدمات پزشکی» توهین به حرفه پزشکی است - نماینده محترم! اینجا افغانستان نیست!!

«انستزبولژی و مراقبت های ویژه»، با صدور قطعنامه ای «طرح انطباق خدمات پزشکی» را توهین به حرفه مقدس پزشکی دانستند. در این قطعنامه که بتأیید همه شرکت کنندگان در کنگره رسیده است، از جمله آمده: «طرح انطباق که اکنون شور دوم آن در مجلس شورای اسلامی مطرح است بدون کسب نظر مشورتی و کارشناسی نظام پزشکی و جوامع و انجمن های پزشکی و همچنین علیرغم رد شدن طرح در دو کمیسیون مجلس و مخالفت نماینده دولت با آن در شور اول عجولانه تصویب شده است. ما شرکت کنندگان در کنگره این طرح را توهین به حرفه مقدس پزشکی می دانیم...».

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، موج اعتراض به «طرح انطباق خدمات پزشکی»، سراسر کشور را فرا گرفته است. روزنامه همشهری گزارش داد که بیش از ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه اصفهان، در اعتراض شدید به طرح «انطباق خدمات پزشکی»، در مقابل دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان اجتماع کردند، و با شعارهایی مانند: «تجحر تاکی؛ توهین تاکی؛ انطباق، انتقام از انتخابات؛ نماینده محترم! اینجا افغانستان نیست!» به طرح تصویب شده توسط مجلس شورای اسلامی، شدیداً اعتراض کردند. همچنین بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات، بیش از ۱۲۰۰ نفر از متخصصان رشته های مختلف پزشکی، در پایان همایش

اینهم نمونه دیگری از «آزادی» احزاب

بر اساس گزارش روزنامه «فردا»، تقاضای تأسیس چندین حزب گوناگون، تاکنون از سوی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در وزارت کشور رد شده است. بر اساس همین گزارش، اساننامه حزب «ائتلاف روشنفکری دینی» که بعداً به «جامعه روشنفکری دینی» تغییر نام یافته بود، در کمیسیون احزاب مورد بررسی قرار گرفته، و به گفته یک «مقام آگاه»، به دلیل اینکه «در تمام موارد اساننامه این حزب الفاظ و عبارتی بکار رفته بود که هیچ جایگاه حقوقی و قانونی نداشت و در بسیاری از موارد مبهم بود... و تمام موارد ذکر شده در اساننامه با قانون اساسی و حتی قوانین عادی مغایر بود [!].» تقاضای این حزب، که در آن از جمله شمس الواعظین، سردبیر روزنامه جامعه، عضویت دارد، مورد پذیرش کمیسیون ده قرار نگرفت. بر اساس همین گزارش، تقاضای تأسیس «حزب آزادی مردم ایران» نیز در کمیسیون ده مورد بررسی قرار گرفت و مخالفت کمیسیون با آن اعلام گردید. از جمله معدود احزابی که تاکنون اجازه فعالیت قانونی پیدا کرده اند، «مجمع نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی» است که در آن شماری از نمایندگان سابق و فعلی مجلس عضو هستند.

خلغالی: از حرف های صفوی بوی کودتای آید

بر اساس گزارش روزنامه «سلام» (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۶)، سید صادق خلغالی در مصاحبه ای با این روزنامه در مورد اظهارات رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران از جمله گفت: «آیا فرمانده سپاه واقعاً اینطور فکر می کند که جمهوری اسلامی یک کشور بی قانون و پر هرج و مرج است که هرچه خواست بگوید و خواست هایش را به کرسی بنشانند...»
«... حال که تیر عده ای که همواره دوست داشتند در قدرت و رأس هرم آن باشند در انتخابات اخیر ریاست جمهوری به سنگ خورد شروع به اقدامات و ذکر سخنانی کرده اند که با هیچ منطق و مصلحتی جور در نمی آید و شیطنت هایی از آنها به مشام می رسد... از سخنان آقای رحیم صفوی بوی کودتای آید... حوزه علمیه را با سابقه ۹۰۰ ساله نمی شود با سخنان غیر منطقی و احساسی منکوب کرد...»
خلغالی ضمن تأکید بر حفظ اقتدار و «قداست سپاه پاسداران» افزود: «حدود ۹۵ درصد کادر سپاه موافق این سخنان فرمانده ارشد خود نیستند...»

اعتراض ۱۵۰۰ دانشجوی پرستاری

بر اساس گزارش روزنامه رسالت، گروه کثیری از دانشجویان پرستاری در اعتراض به «لغو انترشیب»، تجمع اعتراض آمیزی را در پارک لاله تهران برگزار کردند. اعتراض به لغو طرح انترشیب، که از سال ۱۳۷۲ تصویب و به اجراء درآمده است، در ماه های اخیر گسترش بی سابقه ای یافته و به تحصن ۵۵ روزه دانشجویان در دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه های علوم پزشکی تهران، کرج، آزاد کرج، آزاد تهران، شاهد زنجان، اراک، تبریز و اصفهان و اعلام حمایت دیگر دانشکده های پرستاری سراسر کشور از این تحصن، منجر شده است. نمایندگان دانشجویان دانشکده های پرستاری مختلف که شمار آنان به بیش از ۱۵۰۰ نفر می رسد، با تجمع در پارک لاله تهران، ضمن اعتراض به بی توجهی مسوولین به خواست هایشان، خواهان رسیدگی فوری، این مسأله شدند. لازم به تذکر است که بر اساس طرح تصویب شده در سال ۱۳۷۲، دانشجویان پرستاری موظف هستند بدون برخورداری از مزایای حقوقی پرسنل بیمارستان، در کادر پرستاری به ارائه خدمات بپردازند، و در حد کادر پرستاری همراه با شیفت های طولانی، خدمت کنند.

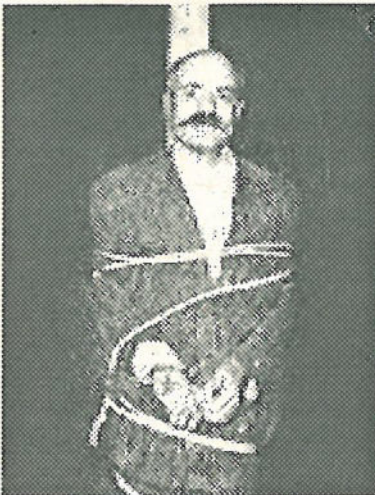
ادامهٔ چهل سالگی يك حماسه...

حقارت دشمن تأکید کرده باشد در سلول خالی زندان این یادداشت را از خود باقی گذاشت: «از حق مشروع فرار استفاده کردم». زندگی مخفی هفت ساله روزبه، مبارزه مسلحانه یک نفره او در شب ۱۵ تیرماه ۱۳۳۶ با مأموران شاه، و سرانجام دستگیری و دفاع اسطوره وار او در بیدگاه ستم شاهی، از رشادت خسرو روزبه حماسه ای کم نظیر در تاریخ مبارزات خلق های جهان پدید آورد. در مقدمه کتاب «دلی به طوفان سپرده»، که دفاعیات خسرو روزبه به زبان روسی است، در باره شخصیت تاریخی روزبه از جمله آمده است: «بشریت، قهرمانان گوناگونی را می شناسد که نامشان تنها پس از مرگشان بلند آوازه شده است. آنها رزمندگان راه آینده بهروزی بشریت بودند. از آن زمره اند ژولیوس فوجیک، فرزند قهرمان مردم چک، موسی جلیل، شاعر قهرمان خلق تاتار و مردم شوروی... و کنراد لنکه و گئورگ لشلایتر، کمونیست های آلمان که در دوران جنگ در زندان فاشیست ها شکنجه دیدند... و کمونیست ایرانی خسرو روزبه که اینک کتاب او را در دست داریم...» روزنامه «ایزوستیا»، به هنگام تیرباران روزبه، با چاپ عکس او در بیمارستان نوشت: «این تصویر خسرو روزبه قهرمان ملی ایران، مبارز آتشین راه آرمان های خطیر کمونیسم است. خسرو روزبه تا آخرین لحظات زندگی سرشار از تهور و قهرمانی خود در برابر جلادان سر فرود نیآورد. خاطره تابناک او برای همیشه در یاد بشریت باقی خواهد ماند...»

خسرو روزبه، از زمره آن شخصیت هایی است که در تاریخ مینهن ما نامشان همواره با احساس غرور، افتخار و احترام همراه است، و به همین لحاظ می توان با قاطعیت گفت نقش تاریخی خسرو روزبه در جنبش آزادیخواهانه ایران در دوره زمانی ۵۰ سال گذشته، پراهمیت و برجسته است. جنبش انقلابی مردم ایران نیز همانند تمامی جنبش های دیگر در سطح جهان، در جریان تکامل و تحکیم درونی و بیرونی خود، رهبران شایسته و واقعی خود را پدید آورده و می آورد. روزبه یکی از این رهبران است و تأثیر او بواسطه همین زایش از درون جنبش مردمی است.

امروزه که از سکوی حال می توان گذشته را به نقد کشید، نام و مبارزه روزبه و اهمیت خدمات تاریخی او برجسته می شود. روزبه از پایه گذاران سازمان نظامی حزب توده ایران بود که دو نسل از شریف ترین و کارآمدترین افسران و نظامیان مینهن پرست، با سواد و انقلابی ارتش ایران مانند سرهنگ سیامک، سرهنگ مبشری، سرگرد وکیلی، سرهنگ جمشیدی، سرهنگ امیرافشاربکشلو، سروان محقق زاده، سرگرد سروشیان، سرگرد بهزاد، ستوان مختاری و ستوان مرزوان، و در دوره اخیر ناخدا افضلی، سرهنگ عطاریان، سرگرد ظفر حیدری، ناخدا بیدگلی، ناخدا حکیمی، سرهنگ غیاثوند، سرهنگ افزایی، سروان خزائی، سرهنگ کبیری، سرهنگ آذرفر و... درون آن مبارزه کرده اند. نام این افسران دلیر از اعتباری ژرف در جامعه، و احترامی گسترده در مقیاس بین المللی برخوردار است. رفیق روزبه علاوه بر این، در زمینه ترجمه و نگارش، پرکار و خلاق بود. شمار تالیفات و ترجمه های او تا پیش از اعدام بالغ بر ۳۶ جلد می شد. برخی از تالیفات و ترجمه های او در زمینه ریاضیات، تا مدتها از معتبرترین کتب علمی کشور محسوب می شدند، و نوشته ها و ترجمه های وی در باره شطرنج، در نوع خود تا امروز در ایران کم نظیر است. دو رومان به نام های «سومیکو، دختر هیروشیمایی» و «رققا» از ترجمه های اوست.

خسرو روزبه، علت پیوستن خود به حزب توده ایران را، در دادگاه نظامی چنین توصیف می کند: «من نسبت به آن رژیم تنفر عمیق و دشمنی آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که به قیمت بدبختی و فقر و گرسنگی و محرومیت هجده میلیون (جمعیت آن زمان ایران) نفر از افراد ملت ایران، همه مواهب زندگی را برای هزار خانواده ممتاز تأمین کرده است... ضرباتی که بدینگونه در دوران زندگی بر روح حساس و تأثیر پذیر من وارد آمد، فکر و روح من را به کنکاش در باره وضع طبقات محروم واداشت. من دیگر آن خسرو روزبه ای نبودم که می خواست از طریق تالیف و ترجمه و اکتشاف به جامعه خدمت کند، بلکه یکبارہ منقلب شدم. طوفان عظیمی اعصاب و روح را تحت استیلاي خود گرفت. فکر محدود خدمت های جزئی را به کنار گذاشتم و تصمیم گرفتم کار را از ریشه و اساس



رفیق روزبه لحظاتی پیش از اعدام

اصلاح نمایم، تا به بدبختی میلیون ها نفر از هم مینانم پایان بخشم. من در عقیده خود صادق هستم... با کمال خلوص نیت و بدون توجه به منافع شخصی و بدون پروا از مرگ، جانم را در کف اخلاص نهاده ام تا به مردم خدمت کنم... اینها بود که من را به حزب توده ایران جلب کرد...» وی سپس در همین دفاعیات پرشور، از تعلق خود به حزب توده ایران چنین یاد می کند: «من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم، جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تاروپودم وجودم توده ای

است... حزب توده ایران به تصدیق دوست و دشمن بزرگترین، اصولی ترین و متشکل ترین حزب دوران ۵۰ ساله مشروطیت ایران است، بزرگترین صفت ممیزه این حزب جنبه انقلابی آن است. حزبی است که بر حسب ضرورت تاریخی بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوری و جهان بینی علمی است... حزب توده ایران این افتخار را دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و به خاطر منافع مردم تلاش می کند... خسرو روزبه و امثال او خواهند مرد، ولی بهر تقدیر راه حزب توده ایران تعقیب خواهد شد و به ثمر خواهد رسید...»

پیش از ۴۰ سال از ادای این سخنان پرشور در دادگاه در بسته نظامی می گذرد. روزبه زمانی این سخنان را با ایمان خارا این بیان کرد که استبداد سلطنتی در اوج قدرت بود، و دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه و سازمان جهنمی ساواک آن «پایان کار» حزب کارگران، حزب محرومان و ستمدیدگان، حزب توده ایران، را با بوق و کرنا اعلام می کردند. امروز نیز این سخنان شورانگیز و دلبرانه خسرو روزبه ظنین دوباره یافته است. رژیم پوسیده «ولایت فقیه»، با ادامه راه سلف خود، یعنی رژیم خودکامه شاه، تلاش کرده و می کند تا کار «پایان نیافت» رژیم پهلوی را برای نابودی حزب توده ایران، به سرانجام برساند. اما واقعیت زندگی، خواست کارگران و زحمتکشان و ضروریات تاریخی، خلاف میل و آرزوی رژیم های دیکتاتوری حاکم بر مینهن ما عمل کرده و می کند. برگزاری چهارمین کنگره حزب و مصوبات تاریخی آن، پژواک رسای سخنان رفیق خسرو روزبه است که «راه حزب توده ایران تعقیب خواهد شد و به ثمر خواهد رسید». در چهارمین سالگرد شهادت این چهره نامدار حزب و جنبش و قهرمان ملی، تا او پیمان دوباره می بندیم تا به راه و مبارزه پرشور او وفادار بمانیم. توده ای ها با تمام نیرو، مبارزه ناتمام او را دنبال خواهند کرد. بخش پایانی منظومه «آرش کمانگیر» اثر شاعر فقید کسرایی، که در نوع خود از پرمایه ترین منظومه های شعر معاصر فارسی است، و به خاطرهٔ تابناک خسرو روزبه اهدا شده، بدین مناسبت درج می کنیم.

آفتاب و ماه را در گشت

سال ها بگذشت

سال ها و باز

در تمام بهنهٔ البرز

وین سراسر قله مغموم و خاموشی که می بینید،

و ندرون دره های برف آلودی که می دانید،

رهگذرهایی که شب در راه می مانند

نام آرش را پیایی در دل کهسار می خوانند،

و نیاز خویش می خواهند.

بادهان سنگ های کوه، آرش می دهد پاسخ،

می کند شان از فراز و از نشیب جاده ها، آگاه،

می دهد امید،

می نماید راه

آزادی برای همهٔ زندانیان سیاسی ایران!

ادامه بررسی کوتاهی از رویدادهای جنبش کارگری ...

سال ۱۳۷۶)، گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی پیرامون میانگین میزان هزینه ناخالص یک خانوار ساکن در مناطق شهری، را منتشر ساخت. بر اساس این گزارش، هزینه های زندگی بیش از درآمدها بوده است. میانگین هزینه ناخالص یک خانوار در مناطق شهری، در سال گذشته، بیش از ۱۳ میلیون و ۶۱۳ هزار ریال بود، در حالیکه میانگین درآمد ناخالص پولی و غیر پولی سالانه یک خانوار شهری کمتر از ۱۱ میلیون ریال بوده است. متوسط هزینه یک خانوار، در ماه، حدود ۱ میلیون و ۱۳۴ هزار ریال گزارش شده، و درآمد خانوارها، طی یک ماه، کمتر از ۹۰۰ هزار ریال بوده است. این آمار به اندازه کافی گویای وضعیت وخیم و دشوار زندگی کارگران و زحمتکشان است.

در تابستان سال گذشته، معاون وزیر کار جمهوری اسلامی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی، اعتراف کرد که با وجود افزایش دستمزدها، شاخص واقعی مزدها، کاهش جدی پیدا کرده است. وی متذکر شد: «حداقل مزد روزانه کارگران در سال های پس از انقلاب از ۵۶۷ ریال در سال ۱۳۵۸ به ۶۹۰۷ ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است که بیانگر ۱۱ برابر افزایش است. در عین حال با توجه به رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یعنی تورم، چنانچه حداقل مزد روزانه کارگران در سال ۱۳۷۵ را با این شاخص تعدیل کنیم، نسبت به سال ۱۳۵۸، حدود ۵۸ درصد کاهش نشان می دهد.» به عبارت روشن تر، بر اساس آمار رسمی مسؤولان رژیم «ولایت فقیه»، دستمزد واقعی کارگران با توجه به افزایش هزینه ها و تورم، به میزان ۵۸ درصد کاهش یافته است. افزون بر این، بر پایه آمار موجود، سهم بخش کارگری از ۷۲ درصد درآمد کشور، فقط ۱۲/۳ درصد است. همچنین، حداقل دستمزد اعلام شده، از سوی شورای عالی کار، در سال گذشته و سال های پیش، کمتر از ۲۳ درصد هزینه های زندگی خانواده های کارگری را، با توجه به شاخص های اعلام شده توسط بانک مرکزی، تأمین می کند. امسال نیز شورای عالی کار باردیگر سیاست ضد کارگری خود را به نمایش گذاشت. خواجه نوری، معاون تنظیم روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، در اواخر اسفند ماه ۱۳۷۶، در جمع خبرنگاران مصوبه شورای عالی کار در باره میزان حداقل دستمزد کارگران در سال آینده را اعلام کرد. طبق این مصوبه: «از اول سال ۱۳۷۷ خورشیدی حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار به میزان ۱۸/۵ درصد افزایش یافته و معادل ۱۰ هزار و ۵۱ ریال تعیین شده است». افزایش ۱۸/۵ درصدی دستمزد ها، مغایرت کامل با خواست جنبش کارگری ایران دارد، و به هیچ عنوان مطابق میزان تورم و رشد سرسام آور شاخص قیمت ها و خدمات مصرفی نیست. حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در جناح راست رژیم قرار دارند در هفته های اخیر بر این نکته تأکید کردند که افزایش ۱۸/۵ درصدی در مقابل تورم ۴۰ درصدی، ثمره ای نخواهد داشت. علیرضا محبوب، نماینده رژیم در مجلس، و دبیر کل خانه کارگر وابسته به جمهوری اسلامی، در باره چگونگی تعیین حداقل دستمزدها برای سال جاری، گفت: «اختلاف نظر در مورد میزان افزایش مزد کارگران بین اعضای کارگران و کارفرمایان زیاد بود و نمایندگان کارفرمایان در مورد کسری افزایش حداقل دستمزدها به تمام سطوح مزدی به شدت مخالفت می کردند. اما نهایتاً نظر خاص دولت در مورد کسری افزایش حداقل دستمزدها به تام سطوح مزدی تصویب شد.»

واقعیت این است که سیاست شورای عالی کار و مصوبه آن، مبنی بر افزایش ۱۸/۵ درصدی حداقل دستمزدها، در شرایطی که ناآرامی مراکز تولیدی کشور را فرا گرفته است، ترفندی است در راستای مهار جنبش کارگری. از سوی دیگر، از آنجا که دولت کنونی، شعار اصلاح ساختار اقتصادی و تشویق فعالیت بخش خصوصی را محور حرکت های خود برای بازسازی قرار داده است، نیازمند است که تنش و اعتراض ها در محیط های کارگری را به حداقل کاهش دهد. هدف، ایجاد امنیت برای سرمایه های خارجی و بخش خصوصی است، و این امنیت، تنها با فریب و سرکوب جنبش کارگری امکان پذیر است. نکته پر اهمیت دیگر اینکه، هرگونه تحول و ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی، به منظور رشد و نوسازی کشور، اگر حقوق و منافع صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران را در نظر نگیرد، نمی تواند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه ما در شرایط کنونی باشد. اصولاً تغییر در ساختار اقتصادی، اگر همراه با تحولات مثبت در عرصه سیاسی نباشد، در دراز مدت جز تشدید استثمار و فاصله طبقاتی نمی تواند ثمری در جامعه داشته باشد.

همان طور که در بالا اشاره شد، از آنجائیکه افزایش ۱۸/۵ درصدی، مطابق با نرخ واقعی تورم و خواست طبقه کارگر در شرایط کنونی نیست، مبارزه برای افزایش عادلانه دستمزدها ها همچنان در دستور کار جنبش مطالباتی طبقه کارگر در شرایط کنونی، باقی خواهد ماند.

مسئله اساسی که دولت جدید تلاش می کند بر آن پرده پوشی کند، این حقیقت است که سیاست خصوصی سازی در سال های اخیر، که توسط دولت رفسنجانی آغاز شد، برای کارگران فاجعه بار بوده است. سیاست کنونی دولت نیز هیچ تفاوت اساسی با سیاست های اعمال شده در گذشته ندارد، و از آنجا که بدون برنامه و بدون یک چارچوب قابل قبول دنبال می شود، تهدیدی جدی برای حقوق صنفی - سیاسی و امنیت شغلی کارگران بشمار می آید. خصوصی سازی به شیوه جمهوری اسلامی، پیامدی جز رواج دلالی و واسطه گری، و نیز رشد بورژوازی تجاری بغایت واپس مانده ایران، نداشته است. مبارزه کارگران با روند خصوصی سازی مراکز تولیدی کشور، در سال کنونی، از زمره عرصه های جدی تقابل جنبش کارگری با رژیم منط «ولایت فقیه» خواهد بود. طبق آمار، در اثر اجرای سیاست خصوصی سازی، سهم حقوق و دستمزد و سایر دریافتی های زحمتکشان از ۴۷ درصد ارزش افزوده در سال ۱۳۶۶ خورشیدی، به کمتر از ۳۶ درصد ارزش افزوده در سال ۱۳۷۳-۷۴، تنزل پیدا کرده است.

در سایر عرصه های مهم زندگی و شغل، مانند ایمنی و بهداشت محیط کار، تفریحات و رفاه، بیمه های اجتماعی، مسکن و غیره نیز شرایط موجود کارگران و خانواده های آنان به شدت وخیم و دردناک است.

● منشاء قانونی:

عدم وجود سلسله قوانینی ناظر بر حقوق کارگران، باعث گردیده است دولت، کارفرمایان و بخش خصوصی، به انحاء مختلف، و با توسل به قوانین و تبصره های موجود، حقوق صنفی - سیاسی طبقه کارگر را نادیده گرفته و پایمال کنند. از همین رو بخشی از خواست های جنبش اعتراضی کنونی کارگران الغاء قوانین ضد کارگری، و تهیه و تدوین مجموعه قوانینی برای حفاظت و تأمین منافع آنان است. در این عرصه، مشکل در سرشت رژیم و ماهیت قانونگذاری آن است. حسین کمالی، وزیر کار جمهوری اسلامی، در سفری که در اواسط سال گذشته به آذربایجان شرقی داشت، در جمع کانون همافکنی شوراهای اسلامی کار تبریز، در این خصوص اعلام کرد: «...پاره ای از مشکلات کارگری منشاء قانونی دارد و نیازمند تصویب قوانین مکمل است... نمایندگان کارگران باید برای این منظور، ارتباط خود را با مجلس شورای اسلامی حفظ کنند...»

منشاء قانونی در مشکلات کارگری، نه اتفاقی است و نه تصادفی، و بابه اصطلاح ارتباط بیشتر با مجلس شورای اسلامی، نیز حل نخواهد شد. در این مورد حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که علت منشاء قانونی مشکلات کارگری، در ماهیت رژیم و نهاد های واپسگرای آن، نظیر شورای نگهبان، است. هیچ قانونی برای حمایت از حقوق کارگران، هر چند سطحی و نیم بند، از صافی شورای نگهبان رژیم «ولایت فقیه»، که باستاد منافع کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری اداری نوکیسه ایران است، عبور نمی کند. در باره بی قانونی در حق کارگران، حزب ما در ارزیابی منافع طبقه کارگر و عملکرد رژیم «ولایت فقیه»، با صراحت اعلام داشته: «نکته پر اهمیت دیگری که باید به آن اشاره کرد و در مسئله خطیر سطح دستمزدها مورد توجه قرار داد، این امر است که براساس برنامه های توسعه، مصوبه مجلس و دولت رژیم «ولایت فقیه»، اصولاً افزایش واقعی دستمزد کارگران نمی تواند بطور واقعی محاسبه و تعیین گردد، زیرا برنامه های توسعه، چیزی جز نسخه های دیکته شده صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیستند، و در سیاست به اصطلاح تعدیل اقتصادی نیروی کار از هیچ حقی برخوردار نیست...» (نامه مردم شماره ۵۱۲، ۲۱، مرداد ۱۳۷۶).

این واقعیت، منشاء قانونی تزییق حقوق طبقه کارگر ایران است. اما در ارتباط با تماس بیشتر کارگران با مجلس که وزیر کار در مورد آن تأکید می کند، باید گفت آنچه مسئله بی قانونی را حل می کند، مبارزه کارگران است. مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان هرگز قوانینی را، به میل خود، در جهت خواست زحمتکشان نخواهند پذیرفت و تنها زیر فشار مبارزه طبقه کارگر است که رژیم و ادار به عقب نشینی خواهد شد. دو نمونه ای می آوریم که گویای این مطلب است. مجلس رژیم در بحث پیرامون

ادامه در صفحه ۵

ایجاد تشکل های صنفی مستقل کارگری از مهمترین خواست های مطالباتی جنبش کارگری در شرایط کنونی است!

ادامه بررسی کوتاهی از رویدادهای جنبش کارگری ...

بررسی لایحه بودجه کل کشور برای سال ۱۳۷۷ خورشیدی، در یک اقدام ضد کارگری، تبصره الحاقی ۳۵ را به لایحه بودجه افزود و آنرا به تصویب رساند. بر اساس این تبصره شرکت های دولتی به بخش خصوصی واگذار می شود و مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه ها و واگذاری سهام به کارگران بلحاظ قانونی پایان می یابد. دومین نمونه، اقدام ضد کارگری شورای نگهبان، در ماه های اخیر، در رد اصلاحیه ماده ۸۲ تامین اجتماعی است.

ویژگی های اساسی جنبش کارگری در اوضاع کنونی

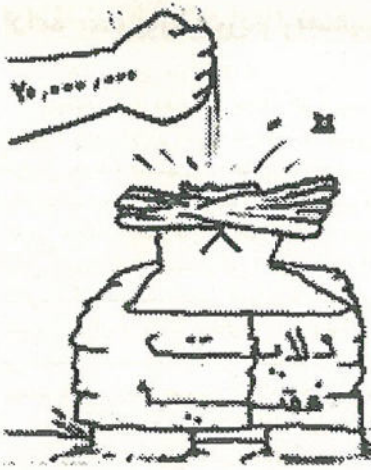
بر بنیاد چنین اوضاعی، سال گذشته، مبارزات اعتراضی طبقه کارگر میهن ما وارد مرحله نوبنی گردید. دهها اعتصاب و حرکت های اعتراضی، در ابعاد بزرگ و کوچک، در کارخانه ها و مراکز تولیدی و صنعتی به وقوع پیوست. از مهمترین اعتصاب های سال ۱۳۷۶ خورشیدی، از اعتصاب در نورد اهواز، مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، ماشین سازی اراک، ماشین سازی تبریز، جیت سازی بهشهر، گروه صنعتی ملی (کفش ملی)، جهان چیت، سیمان شیراز، کارخانه مهیا گاز اصفهان، کارخانه های نساجی سیمین، بارش و تجارت اصفهان، شرکت جنرال در جاده تهران کرج، کارخانه خانه های پیش ساخته کرمان، و حرکات اعتراضی مهم کارگران معدن شاهرود و شرکت پارسان رشت، باید نام برد. علاوه بر اینها، شمار قابل توجهی اعتصاب و اعتراض در محیط های کارگری در سراسر کشور رخ داده است.

مهمترین و اصلی ترین ویژگی جنبش کارگری در اوضاع کنونی، رشد و اوج گیری آن در بطن تحولات میهن ماست و این جنبش بعنوان ستون فقرات آن بشمار می آید. ویژگی مهم دیگر، رشد اعتراض ها در مراکز عمده تولیدی و قطب های صنعتی کشور است، که به این حرکات دامنه ای گسترده و تاثیر جدی و قاطع می بخشد. در سال گذشته در مراکز اصلی صنایع ایران یعنی خوزستان، اراک، قزوین، اصفهان، تبریز و تهران، جنبش کارگری قدرت خود را به نمایش گذاشت و هدف از سفر وزیر کار به استان آذربایجان شرقی، آرام کردن محیط های کارگری عمده تبریز نظیر ماشین سازی، تراکتور سازی و پالایشگاه نفت بود. روزنامه «فردا»، متعلق به توکلی، چهره معلوم الحال رژیم، در اعتراف به این ناآرامی ها می نویسد: جاده تهران - کرج (غرب استان تهران) به عنوان یکی از مراکز عمده کارگری دستخوش ناآرامی های بسیار و فراوان است. نکته قابل توجه این است که رشد اعتراضات، توان مانور جنبش کارگری را به میزان زیادی بالا می برد، دامنه تاثیر آن را بر تمام جنبش سراسری ضد استبداد را توسعه می دهد و در عین حال امکانات و توانائی سرکوب آن توسط رژیم را کاهش می دهد... از جمله دلایل کامیابی و پیروزی اعتصاب های بزرگ کارگران ماشین سازی اراک، نورد اهواز و نفتگران پالایشگاه تهران را نیز در همین ویژگی باید جستجو کرد. علاوه بر ویژگی های یاد شده، خصلت عمیقاً سیاسی مبارزات طبقه کارگر، در اوضاع کنونی، از اهمیت خاصی برخوردار است. گریه محور بنیادین مبارزه کارگران و زحمتکشان بر خواست های بطور عمده صنفی نظیر افزایش دستمزد ها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، انعقاد قراردادهای دستجمعی کار، ایجاد تشکل های مستقل صنفی دور می زند، اما در بطن خود نبرد سیاسی تمام عیار با رژیم ارتجاعی و خود کامه «ولایت فقیه» دارد. ارتقاء سطح همبستگی و سازماندهی و نیز رشد آگاهی طبقاتی از دیگر خصوصیات اساسی جنبش کارگری ایران در اوضاع حاضر است.

نمونه عالی رشد آگاهی طبقاتی کارگران را در دو اعتصاب مهم می توان آشکارا دید، یکی اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی (کفش ملی)، که در جریان آن علیرضا محبوب، نماینده رژیم، را فاقد صلاحیت برای مذاکره دانستند و خواست منطقی و هوشیارانه مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه را مطرح کرد، و دومی اعتصاب کارگران شرکت جنرال در اعتراض به نحوه واگذاری سهام شرکت، که در واقع اقدامی به ضد الحاق تبصره ۳۵ به لایحه بودجه کل کشور بود. رشد کمی و کیفی مبارزات کارگران و زحمتکشان، با توجه به افزایش شایان تحسین آگاهی طبقاتی آنها، در سالیان آینده ژرفش باز هم بیشتری خواهد یافت و بر تحولات میهن ما مهر و نشان خود را خواهد کوبید. از این روست که علاوه بر سرکوب، رژیم «ولایت فقیه» به مانور و ترفندهای گوناگونی برای خنثی سازی جنبش کارگری ایران، دست زده است!

ترفندها، اقدامات نیم بند و وعده های پوچ برای مهار جنبش:

با توجه به تعمیق بحران سراسری رژیم «ولایت فقیه»، و بالا گرفتن برخوردها در هرم رهبری آن، توان رژیم به سرکوب جنبش کارگری تحلیل می رود، و از این رو است که رژیم برای مهار جنبش و آرام کردن طبقه کارگر ایران، در یک رشته عقب نشینی های حساب شده و ترفندهای تبلیغاتی، تلاش می کند تا نگذارد نظارت و تسلط بر اوضاع از دستش خارج شود. در ماه های اخیر ما شاهد تقدیم انواع لوايح «کارگری» به مجلس بوده ایم. در مجلس، «مجمع کارگری» برای دفاع از حقوق کارگران تشکیل می شود، و خانه کارگر و باند های درون رژیم، ناگهان علاقمندی خود را به تشکیل «حزب کارگران» اعلام می کنند و از ضرورت تخریب در دفاع از حقوق کارگران و جوانان دم



زند. علاوه بر اینها، وعده ایجاد استراحتگاه های کارگری و ورزشگاه برای کارگران با تبلیغات زیاد در جامعه و مطبوعات انتشار می یابد. برای اینکه نشان داده شود این وعده ها چیزی جز ترفندهای تبلیغاتی رژیم نیست، به ذکر دو نمونه اکتفا می کنیم. وزارت کار در اوایل سال ۱۳۷۶ اعلام کرد در سال

جاری (یعنی سال گذشته) ۴۹۶ هزار و ۷۰۰ فرصت شغلی برای افراد بیکار پیش بینی شده، و برای ایجاد این تعداد فرصت شغلی ۴ هزار و ۹۶۷ میلیارد ریال اعتبار از محل تبصره های ۲، ۳، ۴، ۴۰، ۴۹ اختصاص یافته است. سال ۱۳۷۶ سپری شد، اما وعده های توخالی ایجاد فرصت شغلی به روی صفحه کاغذ باقی ماند. بحران فزاینده مالی دولت، مانع از تخصیص اعتبار ۴ هزار و ۹۶۷ میلیارد ریالی گردید، و وعده ایجاد نزدیک به نیم میلیون فرصت شغلی مانند بسیاری از وعده های دیگر سران رژیم «ولایت فقیه» پوچ و توخالی از آب درآمد. همچنین در مهر ماه سال ۱۳۷۶، بانک رفاه کارگران اعلام کرد که از محل اعتبارات سازمان تامین اجتماعی، به هر نفر از بیمه شدگان، تا سقف ۲۰ میلیون ریال با بازپرداخت ۲۰ ساله، وام احداث مسکن پرداخت خواهد کرد. بر اساس همین تصمیم، همچنین قرار بود که بانک رفاه کارگران به تعاونی های مسکن کارگری که حداقل ۵۰ نفر عضو داشته باشند، ۱ میلیارد ریال وام احداث مسکن که طی ۲۰ سال قابل بازپرداخت باشد، بپردازد. این وعده ها هم تاکنون از حد «عملیات تبلیغاتی» فراتر نرفته است. در مورد معضل مسکن کارگران، رییس «اتحادیه اسکان» می گوید: «محدودیت و عدم توان مالی کارگران، کمی عرضه و گرانی زمین و مصالح ساختمانی از جمله عواملی هستند که عدم کارایی بخش مسکن کارگری را باعث شده... و هنوز اقدام اساسی در جهت تامین سربینه برای کارگران به عمل نیامده است...» ذکر نمونه هایی این چنین پرده از واقعیت عملکرد رژیم در مسائل کارگری بر می دارد. در مورد طرح طبقه بندی مشاغل، بهداشت محیط کار و ایمنی آن نیز در ماه های اخیر تبلیغات فراوان صورت گرفته است، اما هیچ گام عملی موثری در جهت تحقق این شعارها برداشته نشده است. باوجود کارزار شدید تبلیغاتی رژیم، تجربیات سال گذشته جنبش کارگری نشان می دهد که ترفندها و اقدامات رژیم قادر نیست، جنبش کارگری با تجربه و آگاه ایران را مهار و خنثی سازد.

دورنمای جنبش کارگری:

بر پایه آنچه اشاره شد، روشن است که جنبش کارگری به دلیل شرایط عینی و ذهنی موجود در جامعه ما، رشد و گسترش یافته و در آینده نیز اوج بازم بیشتر خواهد گرفت. در این زمینه، ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی در میان کارگران از اهمیت اساسی برخوردار است. جنبش کارگری با وجود اوج گیری و رشد خود، هنوز از سازماندهی مناسب و همبستگی کافی برخوردار نیست و این یک ضعف جدی به حساب می آید. تلاش بی وقفه در راه تحکیم پیوند و ایجاد اتحاد بین کارگران، از عمده ترین وظایف توده ای ها و کارگران پیشرو قلمداد می گردد.

باید اعتصاب ها و حرکت های اعتراضی پراکنده را به هم پیوند داد، و جنبش کارگری بتواند با رهبری سراسری موجود به ضد استبداد و ارتجاع، هر چه نزدیکتر و ارتباط آنها را مستحکم تر کرد. در شکل گیری جنبش وسیع اجتماعی با خواست مشخص، حضور طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد. دورنمایی که برای جنبش کارگری میهن قابل تصور است، فرجام نهایی مبارزات در جهت قاطعیت بیشتر و آگاهی و حضور موثرتر است. فرجام نهایی مبارزات مردمی با رشد و حضور مبارزه طبقه کارگر ایران ارتباط گسست ناپذیر دارد. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در راه گسترش و ژرفش جنبش کارگری و تاثیر این جنبش در شکل گیری جنبش وسیع اجتماعی، همه مساعی، امکانات و توان خود را بکار برده و خواهد برد.

ادامه خطر یورش رژیم ارتجاعی ...

ایران - ۱۸ فروردین ماه ۱۳۷۷.

سخنات نکان دهنده فرمانده کل سپاه پاسداران، در «همایش فرماندهان و مسئولان نیروی دریایی سپاه» در قم، سند مهمی در تأیید این نظر حزب ماست. بر اساس گزارش روزنامه همشهری: «مقام ارشد سپاه پاسداران گفته که من با آقای مهاجرانی یک ساعت بحث کردم و گفتیم راه شما امنیت ملی را تهدید می کند. وی همچنین گفته که من به مقام معظم رهبری عرض کردم که پدیده جدید نفاق در لباس آخوندی در حال شکل گیری است. اینها لباس آخوند دارند اما منافق اند، دم از قانون می زنند ولی قانون شکن هستند. بعضی ها را باید گردن بزیم و بعضی ها را باید زبان نشان را قطع کنیم... لیبرال ها دانشگاه های ما را گرفته اند و جوانان ما شعار مرگ بر استبداد سر می دهند! ... فلسفه سپاه این است که از انقلاب دفاع کند و ما تنها یک ارگان نظامی نیستیم بلکه در زمینه عقیدتی - سیاسی هم عمل می کنیم...»

برخی از گروه ها، روزنامه ها و جراید ایران، این سخنات را تهدیدهای فرمانده سپاه علیه تحولات کنونی کشور و خطر کودتایی که از جانب سپاه، جنبش مردمی را تهدید می کند، ارزیابی کردند و برخی دیگر از جمله روزنامه سلام، «متعجب» از این موضع گیری، خواهان روشن شدن «نظر رهبری» در مورد این اظهارات شد. به گمان ما، ساده لوحی است اگر تصور شود که فرمانده سپاه پاسداران رژیم، یعنی کلیدی ترین و حساس ترین ارگان محافظ رژیم «ولایت فقیه»، می توانسته بدون اطلاع و صلاح دید «ولی فقیه» چنین صحبت های تهدید آمیز و خطرناکی را آنهم در جلسه مخفی فرماندهان سپاه کرده باشد. هدف از این سخنات تحریک آمیز، در آن جمع، چیزی جز آماده کردن زمینه برای سرکوب جنبش روبرو رشد مردمی، نمی تواند باشد. برای سران رژیم روشن است که روند حوادث و اوج گیری جنبش می تواند آنچنان سریع و همه جانبه گردد که مهار و سرکوب آن غیر ممکن باشد. نکته قابل توجه دیگر این است که اوج گیری ناراضی توده ها و فشار مردمی، برای طرد ارتجاع و استبداد، تمامی نهادهای رژیم را تحت تأثیر خود قرار داده است. امروز ناراضی نه تنها اقشار مختلف جامعه را فرا گرفته است، بلکه حتی حوزه های علمیه در شهرهای مختلف، ورده های پایین نیروهای انتظامی نیز از تأثیر این پدیده بدور نمانده اند. نباید فراموش کرد که با وجود دستور العمل های روشن و کتبی محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه، در جریان انتخابات دوم خرداد ماه، بسیاری از رده های پایین سپاه به نمایندگی «ولی فقیه»، یعنی ناطق نوری، رای ندادند و نیز افزایش ناراضی در رده های پایین سپاه، خصوصاً سپاهیان وظیفه، پدیده روبرو رشدی است که رده های بالا و سرسپرده به رژیم را بشدت نگران کرده است.

بازتاب گسترده و بسیار منفی سخنات فرمانده سپاه در جامعه، که به روشنی از تمایل باطنی سران ارتجاع برای حاکم کردن شرایطی مانند افغانستان بر مین ما حکایت می کند، سبب شد که ارگان های مطبوعاتی مدافع «ذوب در ولایت»، از جمله روزنامه «رسالت»، «کیهان»، و «جمهوری اسلامی»، ضمن حمله و تهدید کسانی که اخبار این جلسه را به بیرون درز داده اند، سخنات فرمانده سپاه را، سخنات یک فرد نگران از آینده «نظام و اسلام» وانمود کنند که دلش به حال «انبوه شهدا» سوخته است. در این یورش های تبلیغاتی که، در ابعاد گسترده ای، در صفحات این روزنامه ها بازتاب یافت، ضمن تأیید ضمنی «نگرانی های ابراز شده از سوی فرمانده سپاه»، کسانی که جرئت حمله به این «سپاهی اسلام» را به خود داده اند به همگامی و همزمانی با «ضد انقلاب» و «استکبار جهانی» متهم شده اند.

سخنات فرماندهان سپاه پاسداران مبنی بر سرکوب خشن و کشتار دگراندیشان و مخالفان ادامه استبداد «ولایت فقیه»، سیاست روشن و تاکتیک نیروهای ارتجاعی و واپسگرا به رهبری «ولی فقیه» برای حفظ حکومتی است که مشروعیت خود را مدتهاست که از دست داده است و با «گردن زدن» و «زبان بردن» دگراندیشان، از جمله هزاران زندانی سیاسی، توانسته است به حیات نفرت انگیز خود ادامه دهد. امروز نیز باید خطر یورش ارتجاع به جنبش مردمی را بسیار جدی گرفت. سران رژیم «ولایت فقیه» نشان داده اند که آماده اند برای حفظ خود به هر جنایتی دست بزنند. تنها راه مقابله با این توطئه های جنایتکارانه، حفظ و گسترش اتحاد توده ای است که توانست در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، آنچنان ضربه گویج کنده ای را بر پیکر رژیم «ولایت فقیه» وارد آورد. تجربه دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و پیش از آن تجربه انقلاب بهمن ۱۳۵۷، درس های گرانبهائی ارزنده ای است که باید بار دیگر آنرا به خاطر آورد و از آنها بهره جست. توده های متحد توان آنرا دارند که بزرگترین سدها را از سر راه خود بردارند. هیچ نیروی سرکوبگری توان مقابله و مقاومت با مبارزه متحد مردم را ندارد. هوشیاری، اتحاد و گسترش مبارزه همراه با شعارهای دقیق، رمز پیروزی جنبش مردمی در شرایط کنونی است. تجربه یکسال گذشته نشان داده است که ارزیابی حزب ما مبنی بر ضرورت طرد رژیم «ولایت فقیه»، به عنوان سد اساسی هرگونه تحول بنیادین و پایدار در مسیر آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی، ضرورتی است انکارناپذیر که تأخیر در آن تنها به تداوم و بقای ارتجاع و استبداد یاری می رساند.

به احزاب، سازمان ها و نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن

دوستان گرامی،

میهن ما دستخوش تحولات حساس و سرنوشت سازی است که نیازمند توجه دقیق و مسئولانه همه احزاب، سازمان ها، نیروها و شخصیت های ملی و مترقی است، که برای بهروزی مردم و رهایی ایران از زنجیرهای استبداد مبارزه می کنند. مبارزه اوج گیرنده کارگران، دانشجویان، زنان و میلیون ها ایرانی که از نابسامانی های کنونی، یعنی فقر، محرومیت، و بی عدالتی عمیق اجتماعی، و ظلم و استبداد قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» به ستوه آمده اند، کشور ما را در آستانه انفجار عظیم اجتماعی قرار داده است که سرنوشت میهن ما را رقم خواهد زد. فرزندم تاریخی دوم خردادماه ۱۳۷۶، که در آن بیش از ۲۰ میلیون ایرانی، با وجود تیهدهات، فشارها، و ترفندهای رژیم «ولایت فقیه»، علیه نامزد انتخابات ریاست جمهوری رژیم رای دادند، و خواست قاطع و روشن خود را مبنی بر تغییر سیاست های فاجعه بار «هرچه اسلامی تر کردن جامعه»، «ذوب در ولایت» و غیره را اعلام کردند، نشان داد که نیروی عظیم مردمی برای طرد استبداد و حرکت به سمت آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی، به میدان آمده است. در مقابل نیروی عظیم توده ها، مرتجعان حاکم و طرفداران استبداد «گردن بزن» و «زبان ببر»، خواهان ادامه حکومتی هستند که بزور سرنیزه، اختناق، ترور و کشتار هزاران دگراندیش و مبارز راه آزادی، و سرکوب وسیع حقوق و آزادی های دموکراتیک، توانسته است به حیات خود ادامه دهد.

دوستان عزیز،

امروز همه ما، از ضرورت اتحاد عمل، همبستگی و مبارزه مشترک طرفداران آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی در برابر استبداد، سخن می گوئیم، ولی پراکندگی و فقدان چارچوب مناسب برای تبادل نظر و تصمیم گیری بین این نیروها لطمه سنگینی به امر پیشبرد مبارزه در راه تحقق این آرمان های انسانی و مردمی زده و می زند. اختلاف نظر و ارزیابی متفاوت از اوضاع و اختلاف برداشت ها و دیدگاه های تاریخی بین نیروهای گوناگون پدیده ای است انکارناپذیر و قاعدتاً نیز این تفاوت ها نمی بایست مانعی در برابر همکاری در زمینه هایی باشد، که ما همگی بر سر آن توافق داریم. حزب توده ایران نظرات خود را درباره اوضاع کشور از طریق اسناد رسمی، و روزنامه ارگان خود، «نامه مردم»، اعلام کرده است و همچنان معتقد است که تحقق آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی در ایران، تنها با طرد رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر است. ما اعتقاد داریم که این مبارزه می باید از مراحل گوناگونی عبور کند، و شعارهای مبارزاتی با اتکاء به مبارزه توده ها تدقیق و تکمیل گردد. در وضعیتی که مبارزه مردم هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند و در احوالی که ارتجاع و استبداد خود را برای سرکوب این جنبش آماده می کند، توافق بر سر یک برنامه مبارزاتی متناسب با شرایط حال و نیازهای جنبش، و نزدیک کردن هرچه بیشتر توان مبارزاتی نیروهای اپوزیسیون و جنبش روبرو رشد مردمی در کشور ضرورت درنگ ناپذیری است که می باید برای تحقق آن تلاش های خود را تشدید کنیم.

بر این اساس است که ما پیشنهاد می کنیم هرچه سریعتر نشست وسیعی از نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور برای بررسی اوضاع حساس و سرنوشت ساز کنونی برگزار گردد، و زمینه های همکاری های عملی و ایجاد ائتلاف وسیع مردمی و ستاد مشترکی برای به پیش بردن مبارزه، بررسی شود. حزب توده ایران آماده است تا در این راه تمام توان و امکانات خود را بکار گیرد. تجربه شکست انقلاب بهمن ۱۳۵۷، و حاکمیت رژیم استبدادی و ضد مردمی نشان داد که نبود یک آلت راتیو دموکراتیک و مترقی می تواند چه اثرات فاجعه باری برای جنبش مردمی بهرماره داشته باشد. نباید اجازه داد تا بار دیگر این تجربه تکرار گردد.



کمونست های ایتالیا با خصوصی کردن صنایع برق مبارزه خواهند کرد

حزب کمونیست ایتالیا (رفونداسیون) ایتالیا، روز ۱۵ اردیبهشت ماه، اعلام کرد که با تصمیم دولت برای فروش ۱۲ درصد دیگر از سهام شرکت ملی تولید برق کشور مخالف است. رفیق فانوستو برتینونی گفت که حزب طبقه کارگر ایتالیا با خصوصی سازی بخش بیشتری از صنایع برق مبارزه خواهد کرد. او گفت: «دولت باید تمام تلاش خود را به کار بندد تا نظارت بر صنایع برق در بخش دولتی باقی بماند و بنظر نمی رسد که تصمیم اخیر در این راستا باشد...». خزانه داری دولت ایتالیا قبلاً اعلام کرده بود که تصمیم دارد ۱۲ درصد دیگر از سهام صنایع ملی برق را به بخش خصوصی بفروشد. در صورت اجرای این تصمیم، سهام دولت از ۵۱ درصد در شرایط کنونی، به ۳۹ درصد تنزل خواهد یافت. رفیق برتینونی همچنین، اظهار کرد که حزب کمونیست ایتالیا، همچنین مخالف فروش شرکت های گروه برقی انل (ENEL) به بخش خصوصی است، و با تمام توان با این گونه سیاست ها مبارزه خواهد کرد.

بن بست مذاکرات صلح خاورمیانه

فلسطینی ها در جریان مذاکرات صلح از خود نرمش نشان دادند و او امیدوار است که ناتانیاهو نیز پس از مشورت با کابینه خود، مواضع مشابهی اتخاذ کند. در پی پایان مذاکرات صلح در لندن، ناتانیاهو مدعی شد که پیشرفت هایی صورت گرفته است، ولی یاسر عرفات متذکر شد که او هیچگونه نشانه ای از پیشرفت نمی بیند. رهبران فلسطینی و اسرائیلی برای دنبال کردن مذاکرات لندن به واشنگتن دعوت شده اند، ولی نخست وزیر اسرائیل از هم اکنون اعلام کرده است که اگر شرکت در مذاکرات واشنگتن بمعنای گردن نهادن به فشار بین المللی است، او ممکن است از شرکت در این مذاکرات خودداری ورزد.

دور جدید مذاکرات صلح خاورمیانه، که به دعوت تونی بلیر، نخست وزیر انگلستان، و با حضور یاسر عرفات، بنیامین ناتانیاهو و مادالین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، در روزهای ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت ماه در لندن برگزار شد، بدلیل مواضع غیر قابل انعطاف دولت اسرائیل با شکست روبرو گردید. تونی بلیر که سعی دارد نقش بین المللی ممتازی برای امپریالیسم کهنه کار انگلیس دست و پا کند، در جریان مسافرت خود به خاورمیانه، از رهبران فلسطین و اسرائیلی برای انجام مذاکرات در لندن دعوت کرد. مذاکرات لندن، بدلیل خودداری ناتانیاهو از تخلیه بخشی دیگر از سرزمین های اشغالی فلسطین، که می بایست بر اساس موافقتنامه اسلو تاکنون به دولت خودمختار فلسطینی تحویل داده می شد، نتوانست گامی در راه حل مشکلات منطقه بردارد. مادالین آلبرایت، درباره شکست مذاکرات لندن از جمله گفت که

اعتصاب های گسترده کارگری در دانمارک

اعتصاب های عمومی کارگران، که از ۷ اردیبهشت ماه آغاز گردیده بود، پس از ده روز و با مداخله دولت، در آستانه پایان یافتن است. گفته می شود نخست وزیر دانمارک با ارائه یک لایحه قانونی به مجلس این کشور، کارفرمایان را عملاً به قبول برخی از خواست های کارگران وادار می سازد. بدین ترتیب بزرگترین اعتصاب کارگری دانمارک در ۱۲ ساله اخیر با پیروزی کارگران به پایان می رسد. نخست وزیر دانمارک، که نگران تأثیر این اعتصاب بر نتایج فرزندم خرداد ماه در مورد اتحادیه اروپا است، با ارائه لایحه ای که برخی از خواست های کارگران، از جمله افزایش تعطیلات سالانه کارگران و ایجاد تسهیلات ویژه برای کارگرانی که کودکان خردسال دارند، تلاش کرده است تا با جلب حمایت اتحادیه های کارگری اوضاع کشور را به حالت عادی برگرداند. لازم به تذکر است که مذاکرات میان اتحادیه های کارگری و کارفرمایان، در روز ۱۶ اردیبهشت ماه، بدلیل مواضع انعطاف ناپذیر کارفرمایان با شکست روبرو شده بود. در این اعتصاب گسترده کارگری بیش از نیم میلیون کارگر دانمارکی که اکثراً در شرکت های خصوصی حمل و نقل و بخش ساختمانی مشغول کار بودند، دست از کار کشیدند و در نتیجه این اعتصاب، بنادر و فرودگاه کپنهاک تعطیل گردید. صدر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک، هانس جنسن، علت ادامه اعتصاب را خودداری کنفدراسیون کارفرمایان از رسیدن به توافق با اتحادیه های کارگری اعلام کرد. در جریان اعتصاب، کارگران اعتصابی راهپیمایی های گوناگونی را در شهرهای مختلف دانمارک از جمله کپنهاک برگزار کردند.

فراخوان کمونیست ها برای استعفای دولت ژاپن

حزب کمونیست ژاپن، احزاب سیاسی کشور را فراخواند تا برای پایان دادن به کار دولت حزب لیبرال دموکرات، به نخست وزیری ریوتارو هاشیموتو، با هم به توافق برسند. رفیق کزنوشی، صدر دبیرخانه حزب کمونیست ژاپن گفت: نخست وزیر نتوانسته است بنحو احسن مدیریت اقتصادی کشور را سازمان دهی کند و باید استعفا دهد. او اضافه کرد: «حزب کمونیست ژاپن خواستار استعفای نخست وزیر، انحلال پارلمان و آماده کردن شرایط برای برگزاری انتخابات جدید در این کشور است...» لازم به تذکر است که حزب لیبرال دموکرات ۲۶۱ کرسی از مجموع ۵۰۰ کرسی مجلس این کشور را در اختیار دارد. حزب کمونیست ژاپن که در انتخابات قبلی موفق شد میزان آراء خود را به دو برابر افزایش دهد، دارای ۲۶ نماینده در مجلس ژاپن است. رفیق شیبا در ادامه همین سخنرانی خطاب به احزاب دیگر، از جمله متذکر شد: «اگر چه نظرات ما با یکدیگر متفاوت اند، ولی برای نجات کشور از بحران کنونی و حرکت به سمت انتخابات تازه پارلمانی خواهان تلافی بزرگ از احزاب مخالف دولت هستیم...»

فراخوان حزب کمونیست ژاپن، زمانی مطرح می شود که میزان مقبولیت دولت ژاپن در بین مردم، به پایین ترین سطح خود در دوسال اخیر کاهش یافته است. رفیق شیبا، برنامه حزب کمونیست ژاپن برای احیای اقتصاد بیمار این کشور را در چارچوب کاهش مالیات های غیر مستقیم از ۵ درصد به ۳ درصد، لغو پرداخت هزینه از سوی مردم برای خدمات بهداشتی و نیز اعطای وام به شرکت های کوچک برای نجات آنها از بحران مالی، ذکر کرد. حزب کمونیست ژاپن که قدیمی ترین حزب این کشور است، در حال حاضر بیش از چهارصد هزار نفر عضو دارد و تیراژ روزنامه ارگان آن بنام «پرچم سرخ» از مرز ۲ میلیون نسخه می گذرد.

ادامه بحران در اندونزی

تظاهرات گسترده ضد دولتی در هفته دوم اردیبهشت ماه، اکثر شهرهای عمده اندونزی، از جمله سورابایا، یوگیاکارتا، باندوک و جاکارتا را فلج کرد. تظاهر کنندگان ضمن برخورد شدید با نیروهای انتظامی، خواهان برکناری دولت فاسد سوهارتو گردیدند. در جریان حمله پلیس ضد شورش به دانشگاه های این کشور، از جمله دانشگاه ملی، ۷ تن از دانشجویان شهادت زخمی، و روانه بیمارستان گردیدند. حرکت های اخیر اعتراضی به دلیل افزایش ۷۱ درصدی قیمت مواد سوختی است که در چارچوب برنامه اصلاحات صندوق بین المللی پول از روز ۱۵ اردیبهشت ماه به اجراء گذاشته شده است. افزایش قیمت مواد سوختی باعث بالا رفتن قیمت بلیط اتوبوس ها و قطار و تشدید فشار کمربند شکن مالی به اقشار زحمتکش اندونزی گردیده است. در جاکارتا، مگاواتی سوکارنویتری، چهره سرشناس جنبش اعتراضی، دولت را بسبب افزایش قیمت ها شدیداً محکوم کرد و گفت که این افزایش قیمت ها نشانگر بی خبری کامل دولت سوهارتو از وضعیت اسف انگیز مردم این کشور است. سوهارتو، ۳۲ پیش در پی یک کودتای خونین به ضد دولت قانونی سوکارنو، قدرت را در این کشور به دست گرفته است. در جریان این کودتای سیا ساخته، بیش از نیم میلیون نفر از مردم اندونزی، از جمله دهها هزار نفر از اعضاء و هواداران حزب کمونیست اندونزی، بطرز وحشتناکی قتل عام شدند. با وجود شرایط اسفناک اقتصادی، و جنایاتی که توسط رژیم سوهارتو در اندونزی انجام گرفته است، سرمایه داری جهانی و نهادهای مالی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، برای حفظ این رژیم تمامی تلاش خود را بکار گرفته اند.

پیروزی کارگران در استرالیا

مقاومت یکپارچه کارگران بنادر استرالیا در مقابل توطئه کارفرمایان، دولت و فدراسیون کشاورزان، با پیروزی کارگران و بازگشت پیروزمندانه ۲۰۰۰ تن از اعضای اتحادیه کارگران بنادر استرالیا (MUA)، به سرکارشان، در روز ۱۶ اردیبهشت ماه، پایان یافت. در روز ۱۸ فروردین، ۱۴۰۰ کارگر اعتصابی، بدلیل حمایت از مواضع اتحادیه کارگری خود، توسط شرکت پرنفوذ «پاتریک» از کار بیکار گردیدند. شرکت «پاتریک» با استخدام کارگران جدید تلاش می کرد مقاومت اتحادیه های کارگری را درهم شکند، و در عین حال بدعت جدیدی را در روابط کاری استرالیا پایه گذاری کند، یعنی اخراج کارگران بدلیل عضویت در اتحادیه و غیر قانونی دانستن اعمال سیاست های اتحادیه. جنبش کارگری استرالیا، اخراج ۲۰۰۰ نفر از کارگران بنادر را توطئه حساب شده ای از سوی پیتربریک، وزیر روابط کارگاه های تولیدی، شرکت پاتریک، و فدراسیون کشاورزان استرالیا برای تغییر قوانین حاکم بر امور کارگری استرالیا ارزیابی کردند. مبارزه وسیع کارگران استرالیا، حمایت وسیع افکار عمومی و همچنین همبستگی وسیع کارگران بنادر جهان با آنان، از جمله کارگران بنادر در آمریکا و ژاپن، که روابط گسترده ای با استرالیا دارند، سرانجام مراجع قضایی این کشور را وادار کرد که اخراج کارگران از سوی کارفرمایان را غیر قانونی اعلام کند.

بزرگداشت روز جهانی کارگر در جهان

کارگران جهان با شرکت در گردهمایی ها، و راهپیمایی های گوناگون در سراسر جهان، روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. در زیر نمونه ای چند از این جشن ها را به اطلاع خوانندگان می رسانیم.

• روسیه

در مراسم باشکوه اول ماه مه در روسیه، رفیق گنادی زیوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، که در پشت پلاکارد سرخی با شعار «سرنگون باد رژیم ضد مردمی» در صف اول تظاهرات حرکت می کرد، در سخنانی از جمله گفت: دولت نخست وزیر کیرنیکو، هیچ تفاوتی با دولت قبلی ندارد و این دولت نیز مانند دولت گذشته با اعتراض های رشد یافته توده ای مواجه خواهد شد. میخائیل شوماکوف، صدر فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه، نیز در سخنانی در باره اوضاع کنونی کشور یادآور شد: «اگر سیاست های احمقانه اعمال قوانین ضد مردمی ادامه یابد، رودرویی شدید اجتناب ناپذیر خواهد بود...».

• ژاپن

گردهمایی اول ماه مه در ژاپن، با حضور بیش از ۲ میلیون نفر در مناطق مختلف این کشور برگزار شد. بر اساس گزارش خبرگزاری ها، این بزرگترین گردهمایی اول ماه مه در ژاپن، در سالهای اخیر، بوده است. شرکت کنندگان در گردهمایی، سیاست های ارتجاعی دولت حاکم بر این کشور را محکوم کردند و خواهان اقدامات عاجل برای ایجاد فرصت های شغلی، مبارزه با بیکاری و کاهش مالیات ها در جهت بهبود شرایط زندگی مردم شدند. در این گردهمایی ها، کارگران همچنین خواهان تغییرات اساسی در قانون کار جدید این کشور شدند که کارگران را ملزم به کار بیشتر می کند.

• در سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی

پلیس ضد شورش، با شلیک گاز اشک آور به اجتماع کارگرانی که بمناسبت مراسم اول ماه، در سنول پایتخت کره جنوبی، برپا شده بود، یورش برد. هزاران پلیس ضد شورش بخش بزرگی از یکی از خیابان های سنول را مسدود کرده و سپس با نفرین های زهی و گاز اشک آور به سوی مردم حمله بردند. در جریان زدوخورد بین پلیس و کارگران، چند نفر مضروب و گروهی نیز بازداشت شدند. حمله پلیس به اجتماع کارگران، در اول ماه مه، شدیدترین سرکوب تجمع کارگران، از زمان به قدرت رسیدن کیم دامه چانگ است. سخنگوی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره، چانگ سونگ، ضمن محکوم کردن حمله پلیس به تظاهرات آرام و صلحجویانه کارگران، گفت: ما خواهان اصلاحات اقتصادی، اقدام برای کاهش بیکاری و مذاکره مجدد بر سر اهداف اقتصادی تعیین شده از سوی صندوق بین المللی پول هستیم. بگفته سونگ، اگر دولت به این خواست ها بی توجهی کند، اعتراض های کارگری دامنه دار مجدداً کره را فرا خواهد گرفت.

در تایوان هزاران کارگر، در زیر باران شدید، تظاهرات اول ماه مه را به حرکت اعتراضی بزرگ به ضد سیاست های «تجدید ساختار صنعتی» کشور و روند خصوصی کردن صنایع، تبدیل کردند و خواهان تجدید نظر دولت در این خصوص شدند. در مانیلا، پایتخت فیلیپین، نیز کارگران در راه پیمایی اول ماه مه در اعتراض به سیاست های دولت راه پیمایی کردند. بزرگترین اتحادیه کارگری کشور، اعلام کرد که وضعیت اسفبار کنونی محصول: «ادامه اعمال سیاست های دولت کنونی در راستای برنامه های امپریالیسم است که اقتصاد کشور را نابود کرده و اکثریت مردم را به زندگی در وضعیت فلاکت بار و فقر آمیز مجبور کرده است...»

• توکیو

پلیس ضد شورش ترکیه، با استفاده از ماشین آبیاش و باتون، به هزاران نفر که در راهپیمایی اول ماه در استانبول شرکت کرده بودند، یورش برد. در جریان حمله خشونت

بار و وحشیانه پلیس به تظاهر کنندگان، حداقل ۲۰۰ نفر مجروح و صدها تن دستگیر شدند. بر اساس گزارش خبرگزاری ها، پلیس ضد شورش، حتی به اتوبوس های حامل تظاهر کنندگان یورش می برد و با خرد کردن شیشه های اتوبوس ها به مضروب کردن مسافران آنها می پرداخت. با وجود این خشونت وحشیانه، گروه بزرگی از کارگران در محل بنای یادبود آزادی، محلی که ۲۱ سال پیش در آن ۳۷ نفر از کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه بدست تروریست های دست راستی قتل عام شده بودند، حضور یافتند. مرات توکمن، دبیرکل کنفدراسیون کارگری دیسک، در این باره از جمله گفت: «ما در اینجا به خاطر کسانی که ۲۱ سال پیش در جریان تظاهرات اول ماه و برای دفاع از خواست های برحقشان شهید شدند، درود می فرستیم و مبارزه آنان را ادامه می دهیم...». بر اساس ادعای فرماندار استانبول، کوتلو التلس، «پلیس همه اقدامات لازم را برای جلوگیری از برخوردها انجام داد و به همین دلیل حدود ۴۰۰ نفر را در ارتباط با تظاهرات اول ماه مه دستگیر کرد...».

• در کشورهای اروپایی

گردهمایی های پرشکوه اول ماه مه در شهرهای مختلف کشورهای اروپایی برگزار شد. در فرانسه، ایتالیا، پرتغال، یونان، آلمان، بلژیک و اتریش میلیون ها کارگر، در بزرگداشت اول ماه مه، و در اعتراض به سیاست های سرمایه داری جهانی، دست به راهپیمایی های با شکوهی زدند. در هلند، سوسیالیست ها، در اعتراض به ادامه کار بازار سهام این کشور، در روز اول ماه مه، درب اصلی مرکز مبادله سهام آمستردام را با زنجیر بستند و در زیر تابلو مرکز مبادله سهام در آمستردام، که آخرین قیمت سهام را نشان می داد، یک تابلو «فقر سنج» گذاشته بودند که نشان می داد نزدیک به ۱ میلیون هلندی در فقر زندگی می کنند.

در انگلستان نیز هزاران تن از فعالان کارگری در تظاهرات اول ماه مه که در مرکز لندن برگزار شد، شرکت کردند. رهبران اتحادیه های کارگری به دولت حزب کارگر که اولین سالگرد پیروزی انتخاباتی خود را جشن می گرفت، اخطار کردند که به وعده های خود عمل کند. جان ادمند، دبیرکل اتحادیه کارگران بخش عمومی، دولت را فراخواند تا به وعده های خود در به رسمیت شناختن حق اتحادیه ها، مذاکره دستجمعی و تعیین عادلانه حداقل دستمزد، حداقل ۴ پوند در ساعت، عمل کند...».

در بلغارستان همزمان با برگزاری کنگره اول حزب سوسیالیست بلغارستان، هزاران نفر، با پرچم های سرخ، گردهمایی با شکوهی را در صوفیه پایتخت این کشور سازمان دهی کردند. گیورگی پاروانوف، رهبر حزب سوسیالیست بلغارستان، که از جمله سخنرانان این گردهمایی بود، ضمن حمله شدید به دولت دست راستی حاکم بر کشور گفت: «ما فکر می کنیم یکسال فرصت برای دولت جدید کافی است. بلغارستان نیازمند سیاست های جدید است. اکنون نزدیک به ۴۰ درصد مردم بلغارستان در فقر زندگی می کنند، درآمد ها در حال سقوط است و قیمت ها بشدت افزایش یافته است، سرمایه های ملی بیاد رفته است و دولت فعلی نه می خواهد و نه می تواند از عهده مبارزه با جنایات و فساد باندهای مافیایی برآید...»

به یاد خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و دیگر قهرمانان
حزب توده ایران، سیامک از کلن ۳۰۰ مارک
به مناسبت اول ماه مه از برلین ۲۵۰ مارک

کمک های مالی رسیده

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:531

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

12 May 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۲۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک